

رسالهٔ پولس رسول به رومیان

مقدمه

رسالهٔ رومیان طولانی‌ترین رسالهٔ پولس رسول است. پولس وقتیکه آمادگی سفر به روم و بازدید از کلیسای آنجا را می‌گرفت، این رساله را به رومیان نوشت. پولس می‌خواست بعد از رفتن به روم به کمک ایمانداران آنجا به اسپانیه برود. وقتیکه او در شرق برای انتشار انجیل و تأسیس کلیساهای مختلف کارهای انجام داد، به فکر انتشار انجیل در غرب شد.

در این رساله پولس با الهام روح القدس، عقاید خود را در مورد ایمان مسیحی و معنی عملی این ایمان را در زندگی مسیحیان توضیح می‌دهد. او می‌گوید، انجیل آشکار می‌سازد که خدا چگونه فقط به وسیله فیض خود، رابطهٔ مردم را با خود اصلاح می‌کند. فرق نمی‌کند که یک شخص یهودی باشد و یا غیر یهودی، هر کدام ضرورت دارد که رابطهٔ او با خدا اصلاح شود، زیرا همه در برابر خدا گناه کرده‌اند.

پولس در این رساله شرح می‌دهد که زندگی جدید نتیجهٔ رابطهٔ جدید با خدا می‌باشد. وقتیکه یک شخص ایماندار با خدا مصالحه می‌کند، به وسیلهٔ روح خدا که در او زندگی می‌کند، قوت می‌یابد که در مقابل قدرت گناه و شیطان مقاومت کند.

برعلاوه پولس به توضیح هدف شریعت الهی می‌پردازد که خدا چرا شریعت را نازل کرد و چطور یهودیان عیسی را که از قوم آنها بود رد کردند و به این وسیله زمینهٔ مشارکت تمام انسانها در عیسی مسیح مساعد شد.

در اخیر پولس به توضیح روابط اجتماعی مسیحیان می‌پردازد و بعد از پیام‌های شخصی، رساله را به پایان می‌رساند.

فهرست مندرجات:

مقدمه: فصل ۱: ۱ - ۱۷
 ضرورت به نجات و رستگاری: فصل ۱: ۱۸ - ۳: ۲۰
 راه خدا برای نجات: فصل ۳: ۲۱ - ۴: ۲۵
 زندگی تازه در مسیح: فصل ۵ - ۸
 بنی اسرائیل در نقشه خدا: فصل ۹ - ۱۱
 رفتار مسیحی: فصل ۱۲: ۱ - ۱۵: ۱۳
 خاتمه و سلام های شخصی: فصل ۱۵: ۱۴ - ۱۶: ۲۷

دعای شکرگزاری

مقدمه

^۱پیش از هر چیز خدای خود را به وساطت عیسی مسیح برای همه شما شکر می‌کنم، زیرا ایمان شما در تمام دنیا شهرت یافته است.^۹ خدا، آن خدایی که او را با اعلام انجیل درباره پرسش از دل و جان خدمت می‌نمایم، شاهد است^{۱۰} که همیشه در وقت دعا شما را بیاد می‌آورم و درخواست می‌کنم که در صورت امکان اگر خدا بخواهد بالاخره به دیدن شما موفق شوم زیرا^{۱۱} بسیار آرزومندم که شما را بینم تا از برکت روحانی شما را بهره مند ساخته، تقویت نمایم.^{۱۲} مقصدم آن است که به وسیله ایمان دو جانبه پشتیبان همکدیگر باشیم، شما به وسیله ایمان من و من به وسیله ایمان شما.

^{۱۳}ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که بارها قصد داشتم نزد شما بیایم اما همیشه چیزی مرا از انجام آن بازداشته است. من خواسته‌ام همان طوری که در میان ملت های دیگر ثمری یافتم در میان شما نیز بیایم.^{۱۴} ازیرا من در برابر

از طرف پوئس بنده عیسی مسیح و رسولی که خدا برای بشارت انجیل برگزیده و فراخوانده است.

^۲خدا انجیل را مدتها پیش بوسیله انبیای خود در کتاب مقدس وعده داد.^۳ این انجیل درباره پسر او، خداوند ما عیسی مسیح است که از لحاظ جسم از نسل داود متولد شد^۴ و با زنده شدنش پس از مرگ با قدرت ثابت نمود که از لحاظ روح قدوسیت، او پسر خداست.^۵ خدا به وسیله مسیح به ما فیض عطا فرمود تا رسولان او باشیم و همه ملت ها را به ایمان و اطاعت مسیح هدایت کنیم^۶ این همچنین شامل حال شما رومیان است که خدا شما را دعوت فرموده تا از آن عیسی مسیح شوید.

^۷من این رساله را به همه شما محبوبان خدا در روم که به این مقام مقدس خوانده شده اید می‌نویسم. فیض و سلامتی از طرف خدا، پدر ما، و عیسی مسیح خداوند با شما باد.

شده است. ۲۲ در حالی که ادعای حکمت می‌کنند، نشان می‌دهند که نادان هستند. ۲۳ آن‌ها جلال خدای ابدی را به بُتهایی شبیه انسان فانی و پرندگان و چهارپایان و خزندگان تبدیل کردند.

۲۴ به این جهت خدا ایشان را با شهوات و هوسهای خود شان در ناپاکی وا گذاشت که با یکدیگر بدن‌های خود را ننگین سازند. ۲۵ آنها حقیقت خدا را به دروغ تبدیل کردند و آفریده‌های خدا را به عوض خود آفریدگار پرستیدند، آفریدگاری که تا ابد شایسته ستایش است.

۲۶ لذا خدا آدمیان را تسلیم شهوات ننگین خود شان کرده است. حتی زن‌ها روابط طبیعی جنسی را به آنچه غیر طبیعی است تبدیل کردند. ۲۷ به همان طریق مردان روابط جنسی طبیعی را با زن‌ها ترک نمودند و در آتش شهوت برای هم‌جنسان خود سوختند. مردان مرتکب اعمال زشت و ننگین با مردان دیگر شدند و در وجود خود شان مجازاتی را که سزاوار چنین خلافتکاری است، دیدند.

۲۸ چون آن‌ها خداشناسی را امری ناچیز شمردند، خدا آن‌ها را تسلیم افکار فاسد شان نمود تا اعمال زشت و ناشایست بجا آورند. ۲۹ آن‌ها از انواع شرارت و بدی و طمع و بدخواهی و همچنین از حسادت و آدمکشی و نزاع و فریبکاری و بدنیتی پُر هستند. آن‌ها شایعه می‌سازند ۳۰ و از یکدیگر بدگویی می‌کنند، از خدا نفرت دارند، ظالم و مغرور و لافزن و سازنده بدیها هستند و از والدین خود سربچی می‌کنند. ۳۱ بی‌فهم، بی‌وفا و بی‌محبت و

همه - از مردم پیشرفته گرفته تا وحشیان، از روشنفکران گرفته تا نادانان - دینی به گردن دارم. ۱۵ بنابراین شوق دارم که به قدر توانایی خود انجیل را به شما نیز که در روم به سر می‌برید اعلام نمایم.

قدرت انجیل

۱۶ زیرا من از انجیل خجل نیستم؛ از آنرو که انجیل، قدرت خداست برای نجات هرکس که ایمان آورد، اول یهودیان و سپس غیر یهودیان ۱۷ زیرا انجیل نشان می‌دهد که خدا چگونه آدمیان را عادل می‌شمارد و این پایه ایمان است و بر ایمان بنا شده است، چنانکه که نوشته شده است: «شخص عادل بوسیله ایمان زندگی می‌کند.»

گناه بشر

۱۸ غضب خدا از آسمان بر هرگونه گناه و شرارت مردمی نازل می‌شود که زندگی شرارت آمیز شان مانع شناسایی حقیقت است. ۱۹ خدا آنها را مجازات می‌کند و این کار برحق است، زیرا آنچه آدمیان درباره خدا می‌توانند بدانند، بر آن‌ها آشکار است زیرا خدا آن را در پیش چشمان ایشان قرار داده است. ۲۰ از زمان آفرینش دنیا، صفات نادیدنی او یعنی قدرت ازلی و اُلوهیت او در چیزهایی که او آفریده است، به روشنی مشاهده می‌شود و از این رو آن‌ها ابداً عذری ندارند. ۲۱ اگرچه آن‌ها خدا را شناختند ولی آن طوری که شایسته اوست او را تکریم و شکرگذاری نکردند. در عوض افکار شان کاملاً پوچ گشته و عقل ناقص آن‌ها تیره

خشم و غضب خدا قرار می گیرند.^۹ برای همهٔ آدمیانی که بدی را بجا می آورند، مصیبت و پزیشانی خواهد بود، اول برای یهودیان و سپس برای غیر یهودیان.^{۱۰} اما خدا به کسانی که نیکوکاری نمایند، عزت و شرف و سلامتی خواهد بخشید، اول به یهودیان و سپس به غیر یهودیان^{۱۱} زیرا خدا تعیض قائل نمی شود.

^{۱۲} همهٔ آنانی که بدون داشتن شریعت موسی گناه می کنند، بدون شریعت هلاک می شوند و همهٔ آنانی که زیر شریعت هستند و گناه می کنند، به وسیلهٔ شریعت محکوم می شوند.^{۱۳} زیرا تنها شنیدن احکام شریعت هیچ کس را در حضور خدا عادل نمی سازد، بلکه عمل کنندگان شریعتند که عادل شمرده می شوند.^{۱۴} هرگاه غیر یهودیان که دارای شریعت نیستند، احکام شریعت را طبیعتاً انجام می دهند، معلوم است که شریعت آنها خود شانند. با وجود اینکه شریعت کتبی ندارند،^{۱۵} رفتار شان نشان می دهد که مقررات شریعت در قلب های شان نوشته شده و وجدان های ایشان نیز درستی این را تأیید می کند. زیرا افکار شان یا آن ها را ملامت می کند و یا از آن ها دفاع می نماید.^{۱۶} مطابق بشارتی که من می دهم، در روزی که خدا به وسیلهٔ عیسی مسیح همهٔ افکار پنهانی دل های آدمیان را داوری می کند، این کار انجام خواهد گرفت.

یهودیان و شریعت

^{۱۷} اما اگر تو خود را یهودی می نامی و به شریعت پابند هستی و از اینکه خدا را می شناسی، به خود فخر می کنی،^{۱۸} و

بی رحم هستند.^{۳۲} و با وجود این که حکم خدا را می دانند که کنندگان چنین کارها مستوجب مرگند ولی نه فقط خود شان این کارها را می کنند بلکه دیگران را نیز در انجام آن ها تشویق می کنند.

خشم و غضب خدا

۲ و اما ای آدمی، تو کیستی که دربارهٔ دیگران قضاوت می کنی؟ هر که باشی هیچگونه عذری نداری زیرا وقتی تو دیگران را ملامت می کنی و در عین حال همان کاری را که آن ها انجام می دهند انجام می دهی، خودت را ملامت می کنی.^۲ اما می دانیم وقتی خدا اشخاصی را که چنین کارهایی می کنند ملامت می کند، حق دارد.^۳ آیا تو گمان می کنی که با ملامت کردن دیگران از جزا فرار خواهی کرد! در حالی که همان کارها را انجام می دهی؟^۴ آیا فراوانی مهر و بردباری و صبر خدا را ناچیز می شماری؟ مگر نمی دانی که منظور مهربانی خدا این است که تو را به توبه راهنمایی فرماید؟^۵ با سخت دلی و بی میلی خود نسبت به توبه، عقوبت خود را تا روز ظهور غضب خدا و داوری عادلانهٔ او پیوسته شدیدتر می سازی.^۶ زیرا خدا به هر کس بر حسب اعمالی که کرده است، اجر یا جزا خواهد داد.^۷ بعضی مردم، نیکویی را دنبال می کنند و در جستجوی عزت و شرف و زندگی فنا ناپذیر هستند، خدا به آنها زندگی ابدی خواهد داد.^۸ بعضی مردم خودخواه هستند و حقیقت را رد می کنند و به دنبال ناراستی می روند، آن ها مورد

شده باشد و این نیز، کار روح خدا است، نه کار شریعت مکتوب. ستایش چنین شخص از خدا است، نه از انسان.

۳ پس یهودیان چه برتری بر غیر یهودیان دارند؟ یا سنت چه ارزشی دارد؟^۲ البته از هر لحاظ ارزش فراوان دارد، اول آنکه خدا پیام خود را به یهودیان سپرد.^۳ اما اگر بعضی از آن‌ها امین نبودند، آیا بی وفائی آن‌ها وفاداری خدا را باطل می‌سازد؟^۴ هرگز نه! حتی اگر همه انسان‌ها دروغگو باشند، خدا راستگو است! چنانکه نوشته شده است: «کلامی که گفته‌ای راست بوده

و داوری تو عادلانه است.»

۵ اما اگر شرارت ما عدالت خدا را بیشتر آشکار می‌سازد چه بگوئیم؟ آیا می‌توانیم بگوئیم که هرگاه خدا ما را مجازات می‌کند، بی انصافی می‌کند؟ (مثل آدمیان سخن می‌گویم)^۶ هرگز نه! اگر خدا عادل نباشد چطور می‌تواند دنیا را داوری کند؟^۷ اما اگر دروغ من در مقابل راستی خدا جلال او را بیشتر آشکار می‌کند، چرا باز هم به عنوان یک گناهکار ملامت می‌شوم؟^۸ پس چرا نگوئیم: «بیائید بدی کنیم تا از آن خوبی به بار آید؟» در واقع عده‌ای تهمت زنان گزارش داده‌اند که ما چنین چیزی گفته‌ایم، محکومیت این اشخاص بجاست.

هیچ کس در حضور خدا عادل نیست

۹ پس چه؟ آیا ما یهودیان از غیر یهودیان وضع بهتری داریم؟ ابداً، پیش از این نشان دادیم که یهودیان و

اراده او را می‌دانی و به سبب اینکه در شریعت تربیت شده‌ای چیزهای عالی را برتر می‌دانی^{۱۹} و خاطر جمع هستی که راهنمای کوران و نور ساکنان تاریکی^{۲۰} و استاد نادانان و معلم کودکان می‌باشی و صاحب شریعتی هستی که مظهر معرفت و حقیقت است.^{۲۱} پس تو که دیگران را تعلیم می‌دهی، چرا خود را تعلیم نمی‌دهی؟ تو که موعظه می‌کنی دزدی نباید کرد، آیا خودت دزدی نمی‌کنی؟^{۲۲} تو که می‌گوئی زنا نکن، آیا خودت زنا نمی‌کنی؟ تو که از بُتها نفرت داری، آیا خود معبدها را غارت نمی‌کنی؟^{۲۳} تو که به شریعت فخر می‌کنی، آیا با شکستن شریعت نسبت به خدا بی‌حرمتی نمی‌کنی؟^{۲۴} چنانکه نوشته شده است: «بسبب شما، مردمان غیر یهود نام خدا را بی‌حرمت می‌سازند.»

۲۵ چنانچه از شریعت اطاعت کنی، سنت تو ارزش دارد؛ اما اگر از شریعت سرپیچی نمایی، مثل این است که اصلاً سنت نشده‌ای.^{۲۶} اگر یک غیر یهود که سنت نشده است از احکام شریعت اطاعت نماید، آیا خدا او را سنت شده به حساب نخواهد آورد؟^{۲۷} و شخصی که جسماً سنت نشده است ولی احکام شریعت را انجام می‌دهد، ترا که با وجود داشتن کتاب و نشانه سنت، از شریعت تجاوز می‌کنی، ملامت خواهد ساخت.^{۲۸} زیرا یهودی حقیقی کسی نیست که ظاهراً یهودی باشد و سنت واقعی تنها یک عمل جسمانی نیست.^{۲۹} بلکه یهود واقعی شخصی است که از باطن یهودی باشد، یعنی قلبش سنت

غیر یهودیان، همه در گناه گرفتار هستند. ^{۱۰} چنانکه نوشته شده است:

«حتی یک نفر نیست که عادل باشد. ^{۱۱} کسی نیست که بفهمد یا جویای خدا باشد. ^{۱۲} همه آدمیان از خدا روگردانیده اند، همگی از راه راست دور شده اند؛ حتی یک نفر نیکوکار نیست. ^{۱۳} آنگوی شان مثل قبر روباز است، زبان شان را برای فریب دادن به کار می برند و از لب های شان سخنانی مهلک مانند زهر مار جاری است. ^{۱۴} دهان شان پُر از دشنام های زننده و بدی است، ^{۱۵} و پاهای شان برای خونریزی تندرو است. ^{۱۶} به هر جا می روند، ویرانی و بدبختی بجا می گذارند، ^{۱۷} و راه صلح و سلامتی را نشناخته اند. ^{۱۸} خدا ترسی بنظر ایشان نمی رسد.»

^{۱۹} ما می دانیم که روی سخن در شریعت با پیروان شریعت است تا هر دهانی بسته شود و تمام دنیا خود را نسبت به خدا ملزم و مسئول بدانند. ^{۲۰} زیرا هیچ انسانی در نظر خدا با انجام احکام شریعت عادل شمرده نمی شود. کار شریعت اینست که انسان گناه را بشناسد.

عدالت از راه ایمان

^{۲۱} اما اکنون عدالت خدا که تورات و پیامبران بر آن شهادت داده اند به ظهور رسیده است. خدا بدون در نظر گرفتن شریعت ^{۲۲} و فقط از راه ایمان به عیسی مسیح همه ایمانداران را عادل

می شمارد، زیرا هیچ تفاوتی نیست، ^{۲۳} همه گناه کرده اند و از جلال خدا کم آمده اند. ^{۲۴} اما با فیض خدا همه به وساطت عیسی مسیح که خونهای آزادی آن ها است، بطور رایگان، عادل شمرده می شوند. ^{۲۵} زیرا خدا مسیح را به عنوان وسیله ای برای آمرزش گناهان - که با ایمان به خون او به دست می آید - در مقابل چشم همه قرار داده و با این کار خدا عدالت خود را ثابت نمود، زیرا در گذشته به سبب بردباری خود گناهان آدمیان را نادیده گرفت ^{۲۶} تا در این زمان، عدالت خدا کاملاً به ثبوت برسد، یعنی ثابت شود که خدا عادل است و کسی را که به عیسی ایمان می آورد عادل می شمارد.

^{۲۷} پس فخر کردن چه معنی دارد؟ جائی برای آن نیست. به چه دلیل؟ آیا به دلیل انجام دادن شریعت؟ نخیر، بلکه چون ایمان می آوریم. ^{۲۸} زیرا ما یقین داریم که به وسیله ایمان، بدون اجرای شریعت، عادل شمرده می شویم. ^{۲۹} آیا خدا فقط خدای یهودیان است؟ مگر خدای غیر یهودیان هم نیست؟ البته هست. ^{۳۰} خدا یکی است و یهودیان را بر اساس ایمان و غیر یهودیان را نیز از راه ایمان عادل می سازد. ^{۳۱} آیا این به آن معنی است که با ایمان، شریعت را از میان بر می داریم؟ نخیر، هرگز! بلکه آن را استوار می سازیم.

ابراهیم ایماندار

۴ پس در این صورت درباره جد ما ابراهیم چه بگوئیم؟ ^۱ اگر به وسیله اعمال خود پیش خدا عادل شمرده می شد،

پدر کسانی است که سنت شده اند، نه تنها بخاطر اینکه سنت شده اند بلکه به خاطر اینکه از ایمانی که ابراهیم در وقت نامختونی داشت، پیروی می کنند.

وعده های خدا و ایمان

^{۱۳}خدا به ابراهیم و فرزندانش وعده داد که جهان از آن او خواهد بود. این وعده به علت اطاعت ابراهیم از شریعت نیست، بلکه برای این است که او ایمان آورد و ایمان او برایش عدالت شمرده شد، ^{۱۴} زیرا اگر وعده های خدا به کسانی داده شود که از شریعت پیروی می کنند دیگر ایمان آدمی بی معنی و وعده خدا بی ارزش است، ^{۱۵} زیرا شریعت، غضب خدا را به وجود می آورد اما جائی که شریعت نیست تجاوز از شریعت هم وجود ندارد. ^{۱۶} پس این وعده به ایمان متکی است، تا آن بر فیض خدا استوار بوده و برای تمامی نسل ابراهیم اعتبار داشته باشد، نه تنها برای آنانی که از شریعت اطاعت می کنند، بلکه برای کسانی هم که مانند ابراهیم ایمان می آورند، زیرا ابراهیم پدر همه ماست. ^{۱۷} چنانکه نوشته شده است: «تو را پدر ملت‌های بسیار ساخته ام.» از این رو این وعده در نظر خدائی که ابراهیم به او ایمان آورد استوار است، آن خدائی که مردگان را زنده می سازد و نیستی ها را هستی می بخشد. ^{۱۸} ابراهیم ایمان آورد و در آن هنگام که هیچ امیدى نبود، او امیدوار گشت و از این رو «پدر ملت‌های بسیار» شد. همان طور که کلام خدا می فرماید: «فرزندان تو به این

دلیلی برای فخر می داشت اما او نمی تواند در پیشگاه خدا به خود فخر کند. ^۳ زیرا نوشته شده است: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و خدا آن ایمان را به عنوان عدالت به حساب او گذاشت.» ^۴ شخصی که کار می کند مزد می گیرد و مزد او هدیه به حساب نمی آید؛ بلکه حق او است که باید به او پرداخت شود ^۵ و اما مردی که کار نمی کند بلکه به خدائی که حتی شخص دور از خدا را عادل می گرداند ایمان می آورد، ایمان او عدالت شمرده می شود. ^۶ حضرت داود درباره خوشی شخصی که خدا بدون در نظر گرفتن اعمالش او را عادل می سازد چنین می فرماید:

^۷ «خوشا به حال کسی که سرکشی او آمرزیده و گناه وی پوشیده شده است. خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نمی آورد.»

^۹ آیا این خوشی تنها متعلق به آنانی است که سنت شده اند، یا همچنین به کسانی که سنت نشده اند نیز تعلق دارد؟ چنانکه از کلام خدا نقل کردیم: «خدا ایمان ابراهیم را به عنوان عدالت به حساب او گذاشت.» ^{۱۰} در آن زمان ابراهیم در چه حالت بود؟ آیا پیش از سنت شدن او بود یا بعد؟ البته پیش از سنت شدن ^{۱۱} و سنت اش علامتی بود برای اثبات اینکه به وسیله ایمانش، خدا او را پیش از آنکه سنت شود، عادل شمرده بود. و از این رو ابراهیم پدر همه کسانی است که به خدا ایمان می آورند و عادل شمرده می شوند، حتی اگر سنت نشده باشند ^{۱۲} و همچنین

اندازه زیاد خواهند شد.»^{۱۹} ابراهیم تقریباً صد ساله بود، اما با توجه به وضع بدنی خودش که تقریباً مرده بود و اینکه ساره نمی توانست صاحب فرزندی شود، ایمان خود را سست نساخت،^{۲۰} و نسبت به وعده^{۲۱} خدا شک نکرد. بلکه در حالی که خدا را حمد می گفت، ایمانش او را تقویت می نمود،^{۲۲} زیرا اطمینان کامل داشت که خدا قادر است، مطابق آنچه وعده فرموده است، عمل کند.^{۲۳} به این دلیل است که ایمان ابراهیم «به عنوان عدالت شمرده شد.»^{۲۴} کلمات «شمرده شد» تنها بخاطر او نوشته نشد، بلکه همچنین برای ما نوشته شد که عادل شمرده شویم - ما به خدایی ایمان داریم که خداوند ما عیسی را پس از مرگ زنده ساخت.^{۲۵} او بخاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و زنده شد تا ما در پیش خدا عادل شمرده شویم.

نتایج نجات

بنابراین چون از راه ایمان در حضور خدا عادل شمرده شده ایم، نزد خدا سلامتی داریم که به وسیله خداوند

ما عیسی مسیح برقرار گردیده.^۲ به وسیله ایمان به مسیح، ما وارد فیض خدا شده ایم - فیضی که در آن پایداریم و نه تنها به امید شراکتی که در جلال خدا داریم خوشی می کنیم،^۳ بلکه در زحمات خود نیز شادمان هستیم. زیرا می دانیم که زحمت، بردباری را ایجاد می کند^۴ و بردباری موجب می شود که مورد قبول خدا شویم و این امر امید را می آفریند.^۵ این امید هیچ وقت ما را مأیوس نمی سازد، زیرا

خداوند ما عیسی مسیح که ما را دوستان خدا گردانیده در خدا خوشی می کنیم.

آدم و مسیح

^{۱۲} گناه به وسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه، چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت.^{۱۳} قبل از شریعت گناه در جهان وجود داشت؛ اما چون شریعتی در بین نبود گناه به حساب آدمیان گذاشته نمی شد.^{۱۴} با وجود این باز هم مرگ بر آنانی که از زمان «آدم» تا

فیض خدا به مراتب بیشتر گردید.^{۱۱} پس همان طور که گناه به وسیلهٔ مرگ، انسان را تحت فرمان خود در آورد، فیض خدا نیز به وسیلهٔ عدالت فرمانروائی می‌کند و ما را به وسیلهٔ خداوند ما عیسی مسیح به زندگی ابدی هدایت می‌کند.

مرده ولی زنده

۶ پس چه بگوئیم؟ آیا باید به زندگی در گناه ادامه دهیم تا فیض خدا افزون گردد؟^۲ هرگز نه! ما که نسبت به گناه مرده ایم، چگونه می‌توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟^۳ آیا نمی‌دانید که وقتی ما در پیوستگی با مسیح عیسی تعمید یافتیم، در اتحاد با مرگ او تعمید یافتیم؟^۴ پس با تعمید خود با او دفن شدیم و در مرگش شریک گشتیم تا همان طوری که مسیح به وسیلهٔ قدرت پُر شکوه پدر، پس از مرگ زنده شد، ما نیز در زندگی نو به سر بریم.

^۵ زیرا اگر ما در مرگی مانند مرگ او، با او یکی شدیم به همان طریق در قیامتی مثل قیامت او نیز با او یکی خواهیم بود.^۶ این را می‌دانیم که آن آدمی که در پیش بودیم با مسیح بر روی صلیب او کشته شد، تا نفس گناهکار نابود گردد و دیگر بردگان گناه نباشیم،^۷ زیرا کسی که مُرد از گناه آزاد شده است.^۸ اگر ما با مسیح مردیم، ایمان داریم که همچنین با او خواهیم زیست.^۹ زیرا می‌دانیم چون مسیح پس از مرگ زنده شده است او دیگر هرگز نخواهد مُرد. یعنی مرگ دیگر بر او تسلط نخواهد یافت.^{۱۰} مسیح مُرد و

زمان موسی زندگی می‌کردند حاکم بود - حتی بر آنانی که مانند «آدم»، از فرمان خدا سرپیچی نکرده بودند.

آدم نمونهٔ آن کسی است، که قرار بود بیاید.^{۱۵} اما این دو، مثل هم نیستند، زیرا بخشش خدا با گناهی که به وسیلهٔ آدم به جهان وارد شد قابل مقایسه نیست. درست است که بسیاری به خاطر گناه یکنفر مردند. اما چقدر بیشتر فیض خدا و بخششی که از فیض آدم ثانی، یعنی عیسی مسیح سرچشمه گرفته، به فراوانی در دسترس بسیاری گذاشته شده است.^{۱۶} همچنین نمی‌توان آن بخشش خدا را با نتایج گناه یک نفر یعنی «آدم» مقایسه کرد، زیرا در نتیجهٔ آن نافرمانی، انسان محکوم شناخته شد، حال آنکه بخشش خدا پس از آن همه خطایا موجب برائت انسان گردید.^{۱۷} به سبب نافرمانی آن یک نفر و به خاطر او مرگ بر سرنوشت بشر حاکم شد، اما چقدر نتیجهٔ آنچه آن انسان دیگر یعنی عیسی مسیح انجام داد بزرگتر است! - همهٔ کسانی که فیض فراوان خدا و عطیه رایگان عدالت او را دریافت کردند، به وسیلهٔ مسیح در زندگی حکومت خواهند نمود.^{۱۸} پس همان طور که یک گناه موجب محکومیت همهٔ آدمیان شد، عمل یک شخص عادل نیز، باعث تبرئه و زندگی همه می‌باشد^{۱۹} و چنانکه بسیاری در نتیجهٔ سرپیچی یک نفر، گناهکار گشتند، به همان طریق بسیاری هم در نتیجهٔ اطاعت یک نفر، عادل شمرده می‌شوند.^{۲۰} شریعت آمد تا گناهان را افزایش دهد، اما جایی که گناه افزایش یافت،

گناه آزاد شده، بردگان عدالت گشته اید. ^{۱۹} بخاطر ضعف طبیعی انسانی شما به طور ساده سخن می گویم: همان طور که زمانی تمام اعضای بدن خود را برای انجام گناه به بردگی ناپاکی و شرارت سپرده بودید، اکنون تمام اعضای خود را برای مقاصد مقدس به بردگی عدالت بسپارید.

^{۲۰} وقتی شما بردگان گناه بودید، مجبور نبودید از عدالت اطاعت کنید. ^{۲۱} از انجام آن اعمالی که اکنون از آن ها شرم دارید چه سودی بردید؟ زیرا عاقبت آن اعمال مرگ است. ^{۲۲} و اکنون از گناه آزاد گشته، بردگان خدا هستید و در نتیجه آن زندگی شما در این دنیا مقدس و عاقبتش زندگی ابدی است. ^{۲۳} زیرا مزد گناه مرگ است، اما نعمت خدا در پیوستگی با خداوند ما، مسیح عیسی زندگی ابدی است.

رابطه ما با شریعت

ای برادران، شما از شریعت اطلاع دارید و می دانید که انسان فقط تا زمانی که زنده است، مجبور به اطاعت از شریعت است. ^۲ مثلاً یک زن شوهردار تا وقتی شوهرش زنده است، شرعاً به او تعلق دارد. اما اگر شوهر او بمیرد، دیگر آن زن از قانونی که او را به شوهرش مقید می ساخت، آزاد است. ^۳ از این جهت اگر آن زن در زمان زندگی شوهرش با مرد دیگر زندگی کند، زناکار خوانده خواهد شد. اما اگر شوهرش بمیرد، دیگر این قانون شامل حال او نیست و چنانچه با مرد دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا نمی شود. ^۴ ای برادران، شما نیز در همین

با این مرگ یکبار برای همیشه نسبت به گناه مرده است. ولی او زنده شد و دیگر برای خدا زندگی می کند. ^{۱۱} همین طور شما نیز خود را نسبت به گناه مرده، اما نسبت به خدا در پیوستگی با مسیح عیسی زنده بدانید.

^{۱۲} دیگر نباید گناه بر بدن های فانی شما حاکم باشد و شما را تابع هوس های خود سازد. ^{۱۳} هیچ یک از اعضای بدن خود را در اختیار گناه قرار ندهید تا برای مقاصد شریرانه به کار رود. بلکه خود را به خدا تسلیم نمائید و مانند کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته اند، تمام وجود خود را در اختیار او بگذارید تا اعضای شما برای مقاصد عدالت به کار رود. ^{۱۴} زیرا گناه نباید بر وجود شما حاکم باشد. چون شما تابع شریعت نیستید، بلکه زیر فیض خدا هستید.

غلامان عدالت

^{۱۵} پس چه؟ آیا چون زیر فیض خدا هستیم و نه تابع شریعت، اجازه داریم گناه کنیم؟ نه، به هیچ وجه! ^{۱۶} مگر نمی دانید که هرگاه شما خود را به عنوان برده در اختیار کسی بگذارید و تابع او باشید، شما در واقع برده آن کسی هستید، که از او اطاعت می کنید، خواه بردگی از گناه باشد، که نتیجه آن مرگ است و خواه اطاعت از خدا، که نتیجه آن عدالت می باشد. ^{۱۷} اما خدا را شکر که اگر چه یک زمانی بردگان گناه بودید، اکنون با تمام دل از اصول تعالیمی که به شما داده شده، اطاعت می کنید ^{۱۸} و از بندگی

و نیکوست. ^{۱۳} آیا مقصد این است که چیزی نیکو موجب مرگ من شد؟ هرگز نه! گناه این کار را کرد تا ذات واقعی آن آشکار شود. گناه با استفاده از یک چیز نیکو موجب مرگ من شد تا به وسیله این حکم شریعت، پستی و شرارت بی حد گناه معلوم گردد.

^{۱۴} ما می دانیم که شریعت روحانی است؛ اما من نفسانی هستم و مانند برده ای به گناه فروخته شده ام. ^{۱۵} نمی دانم چکار می کنم؛ زیرا آنچه را که دلم می خواهد انجام نمی دهم، بلکه بر خلاف، چیزی را که از آن نفرت دارم به عمل می آورم. ^{۱۶} وقتی کاری می کنم که نمی خواهم بکنم، این نشان می دهد که من قبول می کنم که شریعت درست است. ^{۱۷} پس در واقع من آن کسی که این عمل را انجام می دهد نیستم؛ بلکه این گناه است که در من به سر می برد. ^{۱۸} می دانم که در من یعنی در طبیعت نفسانی من جایی برای نیکویی نیست، زیرا اگرچه خواهش به نیکی کردن در من هست ولی قدرت انجام آن را ندارم. ^{۱۹} آن نیکی ای را که می خواهم، انجام نمی دهم، بلکه کاری بدی را که نمی خواهم، به عمل می آورم. ^{۲۰} اگر کاری را که نمی خواهم، انجام می دهم، دیگر کننده آن کار من نیستم. بلکه گناه است که در من بسر می برد.

^{۲۱} پس به این قاعده کلی پی می برم که: هر وقت می خواهم کاری نیکو انجام دهم، فقط شرارت از من سر می زند. ^{۲۲} باطناً از شریعت خدا لذت می برم. ^{۲۳} ولی می بینم قانون دیگری بر بدن من

وضع هستید. شما چون جزئی از بدن مسیح هستید، نسبت به شریعت مرده اید و اکنون به آن کسی که پس از مرگ زنده شد تعلق دارید، تا در نتیجه برای خدا ثمری بیاوریم. ^۵ زیرا هنگامی که ما گرفتار طبیعت نفسانی بودیم، شهوات گناه که به وسیله شریعت برانگیخته شده بود در وجود ما کار می کرد و موجب مرگ ما می شد. ^۶ اما اکنون از قید شریعت آزاد شده ایم زیرا نسبت به آنچه که ما را در بردگی نگاه می داشت مرده ایم تا به شکل نو یعنی به وسیله روح القدس خدا را خدمت کنیم، نه مانند گذشته که از قوانین نوشته شده اطاعت می کردیم.

جنگ طبیعت نفسانی با روح خدا

^۷ پس چه بگوئیم؟ آیا شریعت گناهکار است؟ هرگز نه! اگر شریعت نمی بود من گناه را نمی شناختم. مثلاً اگر شریعت نگفته بود: «طمع نکن»، من هرگز نمی دانستم طمع کردن چیست. ^۸ گناه با استفاده از این قانون هر نوع طمع کاری را در زندگی من پدید آورد. زیرا گناه بدون شریعت مثل جسد بی جان است. ^۹ خود من زمانی بی خیر از شریعت زنده بودم، اما همین که این حکم شریعت آمد، گناه جان تازه ای گرفت ^{۱۰} و من مردم و شریعت که قرار بود زندگی را به وجود بیاورد، در مورد من مرگ به بار آورد. ^{۱۱} زیرا گناه با استفاده از آن حکم شریعت مرا فریب داده گشت.

^{۱۲} بنابراین شریعت به خودی خود مقدس است و تمام احکام آن مقدس و عادلانه

حاکم است، که با قانون حاکم بر ذهن من جنگ می کند و مرا اسیر قانون گناه می سازد یعنی اعضای بدن مرا تابع خود نموده است. ^{۲۴} من چه آدم بدبختی هستم! این بدن، مرا به سوی مرگ می کشاند. چه کسی می تواند مرا از دست آن آزاد سازد؟ ^{۲۵} خدا را به وسیله خداوند ما عیسی مسیح شکر می کنم که چنین کاری را کرده است. خلاصه در حالی که طبیعت نفسانی من بنده گناه است، با عقل خود شریعت خدا را بندگی می کنم.

زندگی پیروزمندانه بوسیله روح خدا

پس دیگر برای کسانی که در پیوستگی با مسیح عیسی بسر می برند هیچ محکومیتی وجود ندارد، زیرا قانون زندگی بخش روح القدس که در مسیح عیسی یافت می شود، مرا از قانون گناه و مرگ آزاد کرده است. ^۳ آنچه را که شریعت به علت ضعف طبیعت نفسانی نتوانست انجام دهد، خدا انجام داد. او پسر خود را به صورت انسان جسمانی و گناهکار و برای آمرزش گناهان بشر فرستاد و به این وسیله گناه را در ذات انسانی محکوم ساخت. ^۴ خدا چنین کرد تا احکام شریعت به وسیله ما که گرفتار طبیعت نفسانی خود نیستیم، بلکه تابع روح خدا می باشیم، بجا آورده شود. ^۵ زیرا کسانی که مطابق خواهش های نفس زندگی می کنند، همیشه در فکر چیزهای نفسانی هستند. ولی کسانی که تابع روح خدا هستند، در فکر چیزهای روحانی می باشند. ^۶ عاقبت دلبستگی به

امور نفسانی، مرگ و عاقبت پیروی از امور روحانی، زندگی و سلامتی است. ^۷ زیرا دلبستگی به امور نفسانی دشمنی با خداست. چنین شخصی از شریعت خدا اطاعت نمی کند و در واقع نمی تواند اطاعت نماید. ^۸ بنابراین انسان های نفسانی نمی توانند خدا را خشنود سازند. ^۹ اگر روح خدا در وجود شما ساکن است شما اشخاصی روحانی هستید، نه نفسانی. هرکه روح مسیح را ندارد، از آن او نیست. ^{۱۰} اما اگر مسیح در وجود شما ساکن است، حتی اگر بدن شما به علت گناه محکوم به مرگ باشد، روح خدا به شما زندگی می بخشد، چون شما عادل شمرده شده اید. ^{۱۱} اگر روح خدا که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید، در وجود شما ساکن باشد، همان طور که او را پس از مرگ زنده گردانید، به وسیله همان روح القدس که در شما ساکن است، به جسم فانی شما هم زندگی خواهد بخشید.

^{۱۲} پس ای برادران، ما مدیون هستیم، اما نه به طبیعت نفسانی خود و نه به پیروی از خواهش های نفس، ^{۱۳} زیرا اگر مطابق طبیعت نفسانی خود زندگی کنید، خواهید مُرد. اما اگر به یاری روح خدا اعمال جسمانی را نابود سازید، زندگی خواهید کرد. ^{۱۴} کسانی که به وسیله روح خدا هدایت می شوند، فرزندان خدا هستند. ^{۱۵} زیرا آن روحی که خدا به شما داده است، شما را برده نمی سازد و موجب ترس نمی شود، بلکه آن روح شما را فرزندان خدا می گرداند و ما به کمک

پس دیگر برای کسانی که در پیوستگی با مسیح عیسی بسر می برند هیچ محکومیتی وجود ندارد، زیرا قانون زندگی بخش روح القدس که در مسیح عیسی یافت می شود، مرا از قانون گناه و مرگ آزاد کرده است. ^۳ آنچه را که شریعت به علت ضعف طبیعت نفسانی نتوانست انجام دهد، خدا انجام داد. او پسر خود را به صورت انسان جسمانی و گناهکار و برای آمرزش گناهان بشر فرستاد و به این وسیله گناه را در ذات انسانی محکوم ساخت. ^۴ خدا چنین کرد تا احکام شریعت به وسیله ما که گرفتار طبیعت نفسانی خود نیستیم، بلکه تابع روح خدا می باشیم، بجا آورده شود. ^۵ زیرا کسانی که مطابق خواهش های نفس زندگی می کنند، همیشه در فکر چیزهای نفسانی هستند. ولی کسانی که تابع روح خدا هستند، در فکر چیزهای روحانی می باشند. ^۶ عاقبت دلبستگی به

این روح در پیشگاه خدا فریاد می‌کنیم: «آبا، ای پدر.»^{۱۶} روح خدا با روح ما با هم شهادت می‌دهند که ما فرزندان خدا هستیم^{۱۷} و اگر فرزندان او هستیم، در آن صورت، وارث - یعنی وارث خدا و هم وارث با مسیح - نیز هستیم و اگر ما در رنج مسیح شریک هستیم، در جلال او نیز شریک می‌شویم.

جلال آینده

برای ایمانداران شفاعت می‌کند.^{۲۶} به همین طریق روح خدا در عین ضعف و ناتوانی، ما را یاری می‌کند؛ زیرا ما هنوز نمی‌دانیم چگونه دعا کنیم. اما خود روح خدا با ناله‌هایی که نمی‌توان بیان کرد، برای ما شفاعت می‌کند^{۲۷} و آنکه قلب‌های انسان را جستجو می‌کند، از نیت روح آگاه است؛ چون روح القدس مطابق خواست خدا برای ایمانداران شفاعت می‌کند.^{۲۸} ما می‌دانیم همه چیز برای خیریت آنانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده او خواسته شده‌اند، با هم درکارند،^{۲۹} زیرا خدا آنانی را که از ابتدا می‌شناخت از پیش برگزید تا به شکل پسر او درآیند و تا پسر، نخستین برادر در میان برادران بسیار باشد.^{۳۰} او کسانی را که قبلاً برگزیده بود به سوی خود خوانده است، و خوانده شدگان را عادل شمرد و عادلان را نیز جاه و جلال بخشید.

^{۱۸} به عقیده من درد و رنج کنونی ما ابداً با جلالی که در آینده برای ما ظاهر می‌شود، قابل مقایسه نیست.^{۱۹} تمامی خلقت با اشتیاق فراوان در انتظار ظهور فرزندان خدا به سر می‌برد.^{۲۰} زیرا خلقت نه به اراده خود بلکه به خواست خدا دچار بیهودگی شد، تا این امید باقی بماند^{۲۱} که روزی خود آفرینش از قید فساد آزاد گردد و در آزادی پُر شکوه فرزندان خدا حصه بگیرد.^{۲۲} زیرا می‌دانیم که تمامی آفرینش تا زمان حاضر از دردی مانند درد زایمان نالیده است.^{۲۳} نه تنها خلقت، بلکه ما نیز که روح خدا را به عنوان اولین نمونه عطایای خدا دریافت کرده‌ایم، در درون خود ناله می‌کنیم و در انتظار آن هستیم که خدا ما را فرزندان خود بگرداند و کل بدن ما را آزاد سازد،^{۲۴} زیرا با چنین امیدی بود که ما نجات یافتیم؛ اما امیدی که برآورده شده باشد، دیگر امید نیست. چه کسی در انتظار چیزی است که قبلاً آن را یافته است؟^{۲۵} اما اگر در امید چیزی هستیم که هنوز نیافته‌ایم با صبر منتظر آن می‌باشیم.

محبت خدا در مسیح عیسی

^{۳۱} پس در برابر این چیزها چه بگوئیم؟ اگر خدا پشتیبان ماست، کیست که بر ضد ما باشد؟^{۳۲} آیا خدایی که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما تسلیم کرد، با بخشیدن او همه چیز را با سخاوتمندی به ما نمی‌بخشد؟^{۳۳} چه کسی برگزیدگان خدا را ملامت خواهد کرد؟ خدا آنها را تبرئه می‌نماید!^{۳۴} پس کیست که بتواند آنها را محکوم سازد؟ مسیح عیسی کسی است که مُرد و حتی دوباره زنده شد و اکنون در دست راست خدا از ما شفاعت می‌کند!^{۳۵} پس چه

قوم به ایشان تعلق دارند و مسیح هم از لحاظ اصل و نسب از نژاد آنهاست. او مافوق همه و تا ابد خدای متبارک است، آمین.

^۶ مقصد این نیست که کلام خدا تحقق نیافته است، زیرا از نسل یعقوب بودن دلیل نمی شود که همه، اسرائیلی حقیقی باشند^۷ و از نسل ابراهیم بودن باعث نمی شود که همه، فرزندان او شمرده شوند؛ زیرا خدا به ابراهیم فرمود: «نسلی که من به تو وعده داده ام از طریق اسحاق خواهد بود.»^۸ یعنی همه کسانی که بطور طبیعی به دنیا می آیند فرزندان خدا شمرده نمی شوند، بلکه فقط آنانی که مطابق وعده خدا به دنیا می آیند فرزندان او شمرده می شوند.^۹ وعده ای که خدا داد چنین بود: «در وقت معین من بر می گردم و ساره صاحب پسری خواهد بود.»

^{۱۰} نه تنها این بلکه «ریکا» از یک نفر، یعنی از جد ما اسحاق حامله شد^{۱۱} و پیش از تولد بچه های دوگانگی او و پیش از اینکه این دو نفر عملی نیک یا بد انجام دهند،^{۱۲} به ریکا گفته شد: «برادر بزرگ خادم برادر کوچک خواهد بود.» تا اینکه مقصد خدا در انتخاب یکی از این دو نفر ثابت بماند و این انتخاب مشروط به دعوت او باشد، نه به اعمال انسان.^{۱۳} چنانکه نوشته شده است: «یعقوب را دوست داشتم اما از عیسو متنفر بودم.»

^{۱۴} پس چه بگوئیم؟ بگوئیم که خدا بی انصاف است؟ هرگز.^{۱۵} زیرا خدا به موسی می فرماید: «به هر که بخواهم رحم کنم، رحم خواهم کرد و به هر که بخواهم

کسی می تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا پریشانی یا زجر یا گرسنگی یا تهیدستی یا خطر و یا شمشیر قادر است ما را از مسیح جدا سازد؟^{۱۶} چنانکه نوشته شده است: «به خاطر تو در تمام روز در خطر مرگ هستیم و با ما مانند گوسفندانی که به کشتارگاه می روند رفتار می شود.»^{۱۷} با وجود همه این چیزها، به وسیله او که ما را دوست داشت پیروزی ما کامل می شود.^{۱۸} زیرا یقین داریم که نه موت و نه زندگی، نه فرشتگان و نه نیروها و قدرت های فوق بشری، نه پیشامدهای امروز و نه وقایع فردا، نه قدرت های آسمانی^{۱۹} و نه بلندی و نه پستی و خلاصه هیچ چیز در تمام آفرینش نمی تواند ما را از محبتی که خدا در خداوند ما عیسی مسیح آشکار نموده جدا سازد.

قوم برگزیده خدا

۹ آنچه می گویم حقیقت است. من به مسیح تعلق دارم و دروغ نمی گویم. وجدان من که از روح القدس روشن شده به من اطمینان می دهد که دروغ نمی گویم^۲ که در دل خود، بار غمی سنگین و دلتنگی بی پایان دارم.^۳ آرزو می کردم اگر ممکن می شد به خاطر برادران خود، یعنی قوم یهود که خویشاوندان من هستند، خدا زده و از مسیح جدا شوم.^۴ آن ها اسرائیلی هستند. مقام پسر خواندگی، شراکت در جلال خدا، پیمان ها، شریعت، مراسم عبادت و وعده ها به ایشان داده شده است.^۵ اجداد

فراخوانده است؟^{۲۵} چنانکه او در کتاب هوشع نبی می فرماید:

«مردمانی را که متعلق به من نبودند، قوم خود خواهم نامید و ملتی را که مورد لطف من نبود، محبوب خود خواهم خواند^{۲۶} و درست در همان جائی که به ایشان گفته شد: «شما قوم من نیستید» آنجا آن ها «پسران خدای زنده» خوانده خواهند شد.»

^{۲۷} و اشعیا نیز دربارهٔ اسرائیل چنین می گوید: «حتی اگر شمار قوم اسرائیل به اندازهٔ ریگ های ساحل بحر باشد، فقط عدهٔ کمی از ایشان نجات خواهند یافت.»^{۲۸} زیرا خداوند به طور کامل و با سرعت به حساب تمام عالم خواهد رسید.^{۲۹} و چنانکه اشعیا نبی قبلاً گفته بود: «اگر خداوند قادر مطلق، فرزندانی برای ما باقی نمی گذاشت، مانند شهر سدوم شده و شبیه شهر غموره می گشتم.»

اسرائیل و انجیل

^{۳۰} پس چه گوئیم؟ ملت های غیر یهود که برای به دست آوردن عدالت کوشش نکردند، از راه ایمان آن را به دست آوردند،^{۳۱} حال آنکه قوم اسرائیل که پیوسته جوایب شریعتی بودند تا به وسیلهٔ آن عادل شمرده شوند آن را نیافتند.^{۳۲} چرا؟ به علت اینکه کوشش های ایشان از روی ایمان نبود، بلکه در اثر اعمال خود شان بود. به این ترتیب آن ها از همان سنگی لغزش خوردند^{۳۳} که کلام خدا به آن اشاره می کند:

دلسوزی نمایم، دلسوزی خواهم نمود.»^{۱۶} بنابراین به خواسته ها و کوشش های انسان بستگی ندارد، بلکه بسته به خدائی است که رحمت می نماید.^{۱۷} کلام خدا به فرعون می فرماید: «به همین منظور تو را برانگیختم تا به وسیلهٔ تو قدرت خود را نشان دهم و اسم من در سراسر جهان انتشار یابد.»^{۱۸} بنابراین به هر که بخواهد، رحمت می نماید و هر که را بخواهد، سرسخت می سازد.

خشم خدا و رحمت او

^{۱۹} یکی از شما به من خواهد گفت: «پس دیگر چرا خدا ما را ملامت می سازد؟ زیرا کیست که بتواند با ارادهٔ او مقاومت کند؟»^{۲۰} ای آدم، تو کیستی که به خدا جواب می دهی؟ آیا کوزه از کوزه گر می پرسد: «چرا مرا به این شکل ساختی؟»^{۲۱} مگر کوزه گر حق ندارد که از یک مُشت گِل، یک ظرف برای مصرف عالی و ظرف دیگر برای مصرف معمولی بسازد؟

^{۲۲} چه می شود اگر خدا بخواهد با صبر زیاد متحمل کسانی شود که مورد خشم او بوده و سزاوار هلاکت می باشند و به این وسیله هم غضب خود را نمایان سازد و هم قدرت خود را مکشوف گرداند؟^{۲۳} و چه می شود اگر خدا بخواهد بزرگی جلال خود را به کسانی که مورد رحمت او هستند و قبلاً آن ها را برای جلال آماده کرده بود ظاهر سازد،^{۲۴} حتی به ما، یعنی کسانی را که او نه تنها از میان قوم یهود بلکه از میان ملت های غیر یهود نیز

در قلب توست،»^۹ زیرا اگر با زبان خود اقرار کنی که عیسی، خداوند است و در دل خود ایمان آوری که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت، نجات می یابی. ^{۱۰} زیرا انسان با دل ایمان می آورد و عادل شمرده می شود و با زبان خود اقرار می کند و نجات می یابد. ^{۱۱} نوشته شده است: «هر که به او ایمان آورد هرگز خجل نخواهد شد.»^{۱۲} پس هیچ تفاوتی میان یهودیان و غیر یهودیان نیست زیرا خدای واحد، خداوند همه است و نسبت به همه کسانی که به او روی می آورند، بی اندازه بخشنده است: ^{۱۳} زیرا «هر کس که نام خداوند را بخواند، نجات می یابد.»

^{۱۴} اما اگر به او ایمان نیاورده اند، چگونه می توانند به او روی آورند؟ و چگونه می توانند به کسی ایمان آورند که درباره او چیزی نشنیده اند؟ و چگونه می توانند بدون حضور کسی که آن پیام را اعلام کند چیزی بشنوند؟^{۱۵} و آن ها چگونه می توانند پیام را اعلام کنند اگر برای این کار فرستاده نشده باشند؟ چنانکه نوشته شده است: «چه خوش است قدم های کسانی که بشارت می دهند.»^{۱۶} اما همه، آن بشارت را نپذیرفتند زیرا خود اشعیا می فرماید: «خداوند چه کسی پیام ما را باور کرده است؟»^{۱۷} پس ایمان از شنیدن پیام پدید می آید و پیام ما کلام مسیح است.

^{۱۸} اما می پرسیم: «آیا ممکن است که آن ها پیام را نشنیده باشند؟ البته شنیده اند، زیرا صدای ایشان به سرتاسر جهان و سخن آن ها به دور افتاده ترین نقاط دنیا رسیده است.»

«بین در سهیون سنگی قرار می دهم که موجب لغزش مردم خواهد شد، صخره ای که از روی آن خواهند افتاد، ولی هر کس به او ایمان آورد خجل نخواهد شد.»

ای برادران، آرزوی قلبی و استدعای من از درگاه خدا برای اسرائیل این است که ایشان نجات یابند.^۲ من می توانم شهادت بدهم که آن ها نسبت به خدا با غیرت هستند اما تعصب آنها از روی معرفت نیست.^۳ زیرا راهی را که خدا به وسیله آن انسان را در حضور خود عادل می شمارد، نشناختند و کوشیدند راه خود شان را برای به دست آوردن عدالت درست جلوه دهند و به این دلیل تسلیم عدالت خدا نشدند،^۴ زیرا مسیح هدف و تمام کننده شریعت است برای هر که ایمان آورد و به این وسیله در حضور خدا عادل شمرده شود.

نجات برای همه

^۵ در مورد آن عدالت که از شریعت به دست می آید موسی می نویسد: «هر که شریعت را به عمل آورد به وسیله آن زیست خواهد کرد.»^۶ اما درباره عدالت که از راه ایمان به دست می آید می گوید: «در دل خود نگوئید کیست که به آسمان صعود کند؟» (تا مسیح را پائین آورد) ^۷ یا: «کیست که به جهان زیرین فرو رود؟» (تا مسیح را باز از میان مردگان بیرون آورد).^۸ او می گوید: «کلام خدا (یعنی همان پیام ایمانی که ما اعلام می کنیم) نزدیک توست، آن در دهان و

دیگر بسته به اعمال انسانی نیست و اما اگر به اعمال انسان مربوط است، دیگر فیض معنی نخواهد داشت.

۷ پس مقصود چیست؟ مقصود اینست که قوم اسرائیل آنچه را که می‌طلبید نیافته است. برگزیدگان آن را یافتند و دیگران نسبت به آن بی‌اعتنا گردیدند،^۸ چنانکه نوشته شده است: «خدا یک حالت بی‌حسی به ایشان داد، یعنی چشمانی که نمی‌بیند و گوش‌هایی که نمی‌شنود و حتی تا به امروز این حالت ادامه یافته است.»^۹ و داود می‌گوید:

«دسترخوان آن‌ها برای ایشان تله و دام و سنگ لغزش دهنده و عقوبت باد.»^{۱۰} چشمان آنها تارگردد تا نبیند و پشت ایشان زیر بار ابدی خم شود.»

۱۱ از شما می‌پرسم: آیا این لغزش یهودیان برای شکست کامل آن‌ها بود؟ هرگز نه، بلکه تا در اثر خطای آن‌ها نجات به غیر یهودیان برسد و این باعث رشک و حسادت آنها شود.^{۱۲} حال اگر خطای آن‌ها موجب دولتمندی جهان و شکست ایشان موجب سعادت‌مندی ملت‌ها گردیده است، گمان کنید این برکات چقدر بیشتر خواهد بود، هرگاه تعداد یهودیان به کمال برسد!

نجات غیر یهودیان

۱۳ اکنون ای غیر یهودیان، روی سخن من با شماست و چون خود من رسولی برای غیر یهودیان هستم به مأموریت خویش افتخار می‌کنم.^{۱۴} شاید با این

۱۹ باز می‌پرسم: آیا قوم اسرائیل این را نمی‌دانست؟ پیش از همه موسی می‌گوید: «من به وسیله کسانی که حتی قومی به شمار نمی‌آیند، حسادت شما را بر می‌انگیزم و توسط قومی نادان، شما را به خشم خواهم آورد.»

۲۰ و اشعیا با جرأت بیشتر می‌گوید: «کسانی مرا یافتند که طالب من نبودند و خود را به کسانی ظاهر ساختم که جویای من نبودند.»

۲۱ اما درباره قوم اسرائیل می‌گوید: «تمام روز با آغوش باز منتظر بازگشت این قوم نافرمان و سرکش هستم.»

رحمت خدا نسبت به اسرائیل

۱ پس می‌پرسم: آیا خدا قوم برگزیده خود را رد کرده است؟ هرگز نه! خود من اسرائیلی و از نسل ابراهیم و از قبیله بنیامین هستم. خدا قومی را که از ابتدا برگزیده بود رد نکرده است. آیا نمی‌دانید درباره یاس چه نوشته شده است؟ وقتی یاس بر ضد اسرائیل به خدا شکایت می‌کند، می‌گوید: «خداوندا، انبیای تو را کشته‌اند و قربانگاه‌های تو را ویران ساخته‌اند و من تنها باقی مانده‌ام و اینک آنها قصد جان مرا دارند.»^۴ اما خدا چه جوابی به او داد؟ او فرمود: «من هفت هزار مردی را که در پیش بتِ بعل زانو نزده‌اند برای خود نگاه داشته‌ام.»^۵ پس همچنین در حال حاضر تعداد کمی که خدا بر اثر فیض خود برگزیده است، وجود دارند.^۶ اگر این از فیض خداست،

وحشی بریده شدی و به طور غیر طبیعی به زیتون اهلی پیوند گردیدی، چقدر آسانتر است که این شاخه ها به درخت هم جنس خود پیوند شوند.

رحمت خدا برای همه

^{۲۵} ای برادران، برای اینکه شما گرفتار خود پسندی نشوید می خواهم حقیقتی را برای شما فاش سازم و آن این است که یک حالت بی حسی روحانی موقت قوم اسرائیل را فرا گرفته است تا آن زمانی که تعداد مردم ملتها که قبلاً معین شده اند تکمیل گردد. ^{۲۶} و بعد تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت. چنانکه نوشته شده است:

«نجات دهنده از سهیون خواهد

آمد و بی دینی را از خاندان یعقوب

برخواهد داشت.»

^{۲۷} «و در آن هنگام که گناهان شان را

بر طرف سازم این پیمان را با آن ها

خواهم بست.»

^{۲۸} از لحاظ انجیل، یهودیان دشمنان خدا هستند و این به نفع شماست، اما از لحاظ انتخاب خدایی به خاطر اجداد شان هنوز محبوبند، ^{۲۹} زیرا نعمت های خدا و دعوت او برگشت ناپذیر است. ^{۳۰} ای غیر یهودیان، همان طور که شما زمانی نسبت به خدا نافرمان بودید ولی اکنون به سبب نافرمانی یهودیان رحمت یافته اید، ^{۳۱} همچنین در حال حاضر آن ها یاغی هستند تا به وسیله آن رحمتی که به شما رسیده است آن ها نیز از این به بعد رحمت یابند، ^{۳۲} زیرا خدا تمام مردم را

روش بتوانم حسادت قوم خود را برانگیزم و از این راه بعضی از آنها را نجات دهم، ^{۱۵} زیرا اگر رد شدن آن ها موجب مصالحه جهان با خدا شد، برگشت آنها چه نتیجه ای جز رستاخیز از مردگان خواهد داشت؟

^{۱۶} اگر اولین مشت خمیر تقدیس شده باشد بقیه آن نیز مقدس است و اگر ریشه درخت تقدیس شده باشد، شاخه هایش نیز مقدس می باشند. ^{۱۷} اما اگر بعضی از شاخه ها بریده شده اند و تو که نهال زیتون وحشی بودی به جای آن ها پیوند شدی و در ریشه و چربی زیتون شریک گردیدی، ^{۱۸} به برتری خود به شاخه های بریده شده فخر نکن و اگر فخر می کنی، بخاطر داشته باش که تو حامل ریشه نیستی، بلکه ریشه حامل توست.

^{۱۹} اما تو خواهی گفت: «شاخه ها بریده شدند تا من پیوند گردم.» ^{۲۰} درست است، ولی آن ها به علت بی ایمانی بریده شدند و تو به وسیله ایمان در آن جا می مانی پس مغرور نباش، بلکه بترس. ^{۲۱} زیرا اگر خدا از بریدن شاخه های طبیعی خودداری نکرد، از تو نیز صرف نظر نخواهد نمود. ^{۲۲} پس مهربانی و سختگیری خدا را فراموش نکن. او نسبت به آنانی که دور افتاده اند سختگیر است اما نسبت به تو مهربان است به شرط اینکه در مهربانی او بمانی و گرنه تو نیز بریده خواهی شد. ^{۲۳} اگر یهودیان نیز در بی ایمانی خود پافشاری نکنند دوباره پیوند خواهند شد، زیرا خدا قادر است که آنها را دوباره پیوند نماید. ^{۲۴} زیرا اگر تو که از زیتون

اعضا یک وظیفه ندارند،^۵ ما نیز اگرچه بسیاریم، در پیوستگی با مسیح همه ما یک بدن را تشکیل می دهیم و فرداً فرد نسبت به هم اعضای یکدیگریم.^۶ بنابراین ما باید عطایای مختلفی را که خدا مطابق فیض خود به ما داده است به کار ببریم: اگر عطیه ما اعلام کلام خداست، باید آن را به فراخور ایمانی که داریم انجام دهیم.^۷ اگر خدمت کردن است، باید خدمت کنیم. اگر تعلیم دادن است، باید تعلیم بدهیم.^۸ اگر تشویق دیگران است، باید چنان کنیم. مرد بخشنده باید با سخاوت باشد، آن که رهبر است با کوشش رهبری کند و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد.

^۹ محبت شما صمیمی و حقیقی باشد. از بدی بگریزید و به نیکی بچسبید.^{۱۰} یکدیگر را با محبت برادرانه دوست بدارید و هرکس به دیگری بیشتر از خود احترام نماید.^{۱۱} با کوشش خستگی ناپذیر و با شوق و ذوق، خدا را خدمت کنید.^{۱۲} امیدتان مایه خوشی شما باشد و در رنج و مصیبت صابر باشید و از دعا کردن خسته نشوید.^{۱۳} در رفع احتیاجات ایمانداران شرکت نمائید و همیشه مهمان نواز باشید.^{۱۴} برکت خدا را برای آنانی که به شما جفا می رسانند بخواهید، برای آنها طلب برکت کنید، نه لعنت.^{۱۵} با خوشحالیان خوشحالی کنید و با ماتمیان ماتم نمائید.^{۱۶} برای یکدیگر ارزش برابر قائل باشید! مغرور نباشید و از معاشرت با حقیران خودداری نکنید و خود را از دیگران داناتر شمارید.

گرفتار «نافرمانی» کرده است تا بر همه رحم فرماید.

^{۳۳} دولت‌مندی خدا چقدر عظیم و حکمت و معرفت او چقدر عمیق است! هدف های او غیر قابل درک و راه های او غیر قابل فهمند!^{۳۴} زیرا:

«کیست که افکار خدا را درک

نموده یا کیست که مشاور

او بوده است.»

^{۳۵} «چه کسی چیزی به خدا تقدیم کرده است تا آن را از او پس بگیرد؟»^{۳۶} زیرا سرچشمه و وسیله و مقصد همه چیز خداست. به او تا ابد جلال باد، آمین.

زندگی جدید در مسیح

۱۲

بنابراین ای برادران، با توجه به این رحمت های خدا، از شما درخواست می کنم بدن های خود را به عنوان قربانی زنده و مقدس که پسندیده خداست به او تقدیم کنید. عبادت روحانی و معقول شما همین است.^۲ همشکل این جهان نشوید بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را تشخیص بدهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است بشناسید.

^۳ من به عنوان کسی که فیض خدا نصیبش شده است، به همه شما می گویم درباره خود فکر بلند و مغرور نداشته باشید؛ بلکه به نسبت ایمانی که خدا به هر یک از شما داده است، خود را با اعتدال درست بسنجید.^۴ همان طور که در یک بدن اعضای مختلف هست و تمام

مورد خطاکارن اجرا نماید.^۵ بنابراین باید از صاحبان قدرت اطاعت کنید، نه تنها به سبب غضب خدا، بلکه به خاطر آسایش وجدان خود نیز.

^۶ و به همین سبب است که شما مالیات می پردازید زیرا اولیاء امور، خادمین خدا هستند و به این دلیل مشغول انجام وظایف خود می باشند.^۷ پس دین خود را نسبت به همه ادا کنید: مالیات را به مستحق مالیات و محصولات را به مأمور وصول آن بپردازید و آن کسی را که سزاوار احترام است، احترام کنید و صاحبان عزت را عزیز بدارید.

وظیفه ما نسبت به یکدیگر

^۸ هیچ چیز به کسی قرض نداشته باشید، به جز محبت به یکدیگر. کسی که دیگران را محبت کند، شریعت را بجا آورده است.^۹ همه احکام خدا: «زنا نکن، قتل نکن، دزدی نکن، طمع موزز»، و هر حکم دیگر در این حکم که «همسایه ات را مانند جان خود دوست بدار»، خلاصه شده است.^{۱۰} کسی که همسایه خود را دوست دارد، به او بدی نمی کند. پس محبت اجرای کامل تمام شریعت است.
^{۱۱} به علاوه شما می دانید که ما در چه زمانی هستیم و می دانید که موقع بیدار شدن از خواب رسیده است. امروز نجات ما از آن روزی که ایمان آوردیم، نزدیکتر است.^{۱۲} شب تقریباً گذشته و روز نزدیک است، پس دیگر کارهای ظلمت را مانند لباس کهنه از خود دور اندازیم و زره نور را بپوشیم.^{۱۳} چنان رفتار کنیم

^{۱۷} به هیچ کس به عوض بدی، بدی نکنید. متوجه باشید که تمام کارهای شما در پیش مردم نیکو باشد.^{۱۸} حتی الامکان تا آنجا که مربوط به شماست با همه مردم در صلح و صفا زندگی کنید.^{۱۹} ای دوستان عزیز، به هیچ وجه انتقام خود را نگیرید، بلکه آن را به مکافات خدا واگذار کنید، زیرا نوشته شده است: «خداوند می گوید: من مجازات می کنم و من جزا خواهم داد.»^{۲۰} بلکه: «اگر دشمن تو گرسنه است او را سیر کن و اگر تشنه است به او آب بده؛ زیرا با این کار آتش بر سر او فرو خواهی ریخت.»^{۲۱} مغلوب بدی نشوید، بلکه بدی را با خوبی مغلوب سازید.

وظیفه ما نسبت به صاحبان قدرت

همه باید از اولیاء امور اطاعت نمایند، زیرا بدون اجازه خدا هیچ قدرتی وجود ندارد و صاحبان قدرت فعلی را خدا مقرر کرده است.^۲ از این جهت هرکه با آن ها مخالفت کند، با آنچه خدا برقرار کرده است مخالفت می کند و با این عمل، خود را ملامت خواهد ساخت.^۳ زیرا فرمانروایان باعث وحشت نیکوکاران نیستند، بلکه بدکاران باید از آن ها بترسند. آیا می خواهی از صاحبان قدرت ترسی نداشته باشی؟ در این صورت نیکی کن و او تو را تعریف می کند.^۴ چونکه او خادم خداست و برای خیریت تو کار می کند. اما اگر کار نادرست انجام دهی از او هراسان باش، زیرا او بی سبب صاحب شمشیر نیست، بلکه خادم خداست تا غضب خدا را در

خود خدا را شکر می‌کند. و از طرف دیگر، شخص پرهیزگار به خاطر خداوند نمی‌خورد و او نیز از خدا سپاسگزاری می‌کند.^۷ هیچ یک از ما فقط برای خود زندگی نمی‌کند و یا فقط برای خود نمی‌میرد، اگر زیست می‌کنیم برای خداوند زندگی می‌نمائیم^۸ و اگر بمیریم برای خداوند می‌میریم. پس خواه زنده و خواه مرده، متعلق به خداوند هستیم،^۹ زیرا به همین سبب مسیح مُرد و دوباره زنده شد تا خداوند مردگان و زندگان باشد.^{۱۰} پس تو چرا دربارهٔ برادر خود قضاوت می‌کنی؟ یا چرا برادرت را حقیر می‌شماری؟ همهٔ ما پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد،^{۱۱} زیرا نوشته شده است:

«خداوند می‌گوید، به زندگی خودم سوگند که همه در برابر من به زانو درآمده با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود.»

^{۱۲} پس همه ما فرداً فرد باید حساب خود را به خدا پس بدهیم.

وظیفهٔ ما نسبت به برادر ضعیف

^{۱۳} بنابراین از قضاوت کردن دربارهٔ یکدیگر خودداری کنیم و در عوض تصمیم بگیریم که وسیلهٔ لغزش یا رنجش در راه برادر خود نشوید.^{۱۴} من می‌دانم و مخصوصاً در پیوستگی با عیسی خداوند یقین دارم، که هیچ چیز به خودی خود ناپاک نیست، اما برای کسی که آن را ناپاک می‌داند، ناپاک است^{۱۵} و اگر برادرت بخاطر غذایی که تو می‌خوری آزرده شود، دیگر از روی محبت رفتار

که شایستهٔ کسانی باشد که در روشنائی روز به سر می‌برند و از عیاشی و مستی، فسق، هرزگی یا نزاع و حسد پرهیزیم.^{۱۴} خود را با عیسی مسیح، خداوند بپوشانید و دیگر در فکر برآوردن خواهش‌های نفسانی خود نباشید.

انتقاد و قضاوت

۱۴ شخصی را که در ایمان ضعیف است، در میان خود بپذیرید، ولی نه به منظور مباحثه دربارهٔ عقاید او.^۱ ایمان یک نفر به او اجازه می‌دهد، هر غذایی را بخورد اما کسی که ضعیف است، فقط سبزیجات می‌خورد.^۲ کسی که هر غذایی را می‌خورد نباید کسی را که فقط سبزیجات می‌خورد خوار بشمارد و همچنین شخصی پرهیزگار نباید کسی را که هر غذایی را که می‌خورد ملامت سازد، زیرا خدا او را پذیرفته است.^۳ تو کیستی که دربارهٔ خادم شخص دیگری قضاوت کنی؟ اینکه آیا آن خادم در خدمت خود موفق می‌شود یا نه فقط مربوط به ارباب اوست، ولی او موفق خواهد شد، زیرا ارباب آسمانی او قادر است این کار را برای او انجام دهد.^۴ یک نفر یک روز را از روزهای دیگر مهمتر می‌داند حال آنکه شخص دیگری همه را یک قسم می‌شمارد. هر کس باید در عقیدهٔ خود کاملاً خاطر جمع باشد.^۵ آنکه روز معینی را بزرگ می‌شمارد، برای خاطر خداوند چنین می‌کند و او که هر غذایی را می‌خورد، باز برای خاطر خداوند می‌خورد، زیرا او برای خوراک

فکر راحتی و آسایش خود نباشیم؛^۲ بلکه به خاطر خیریت و تقویت همسایگان خود، در فکر راحتی و آسایش آن‌ها باشیم،^۳ زیرا مسیح نیز در فکر راحتی و آسایش خود نبود. چنانکه نوشته شده است: «ملامت‌های آنانی که به تو اهانت می‌کردند به من رسید.»^۴ زیرا هرچه در گذشته نوشته شد، برای تعلیم ما بود تا به وسیلهٔ بردباری و دلگرمی‌ای که کلام خدا می‌بخشد، امیدوار باشیم.^۵ خدایی که سرچشمهٔ بردباری و دلگرمی است عنایت فرماید تا با پیروی از مسیح عیسی همفکر باشید^۶ و همه با هم یکدل و یک زبان خدا را که پدر خداوند ما عیسی مسیح است ستایش کنید.

بشارت دادن به همه

پس همان‌طور که مسیح شما را پذیرفته است، شما نیز یکدیگر را برای جلال خدا بپذیرید.^۸ مقصود این است که مسیح، خادم قوم اسرائیل گردید تا آن وعده‌هایی را که خدا به پدران آنها داده بود، تکمیل کند^۹ و در نتیجه صداقت خدا ثابت شود و تا ملت‌های دنیا خدا را برای رحمت او تمجید نمایند. چنانکه نوشته شده است:

«از این جهت تو را در میان مردم ستایش خواهم کرد و نام تو را با سپاسگزاری بزبان خواهم آورد.»

^{۱۰} و در جای دیگر نوشته شده است:
«ای ملت‌ها، با قوم برگزیدهٔ او خوشی کنید.»

نمی‌کنی. نگذار آنچه می‌خوری موجب هلاکت شخصی که مسیح در راه او مُرد، بشود.^{۱۶} و نگذارید آنچه برای شما جایز است، باعث شود که دیگران از شما بدگویی کنند،^{۱۷} زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست؛ بلکه شامل عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس است.^{۱۸} هرکه مسیح را به این طریق خدمت می‌کند، مورد پسند خدا و پیش انسان قبول شده است.

^{۱۹} پس آنچه را که موجب صلح و سازش و تقویت یکدیگر می‌شود دنبال کنیم.^{۲۰} کار خدا را به خاطر خوردن غذا خراب نکنید. تمام خوراکی‌ها پاک هستند، اما گناه دارد اگر کسی به وسیلهٔ آنچه می‌خورد، باعث لغزش شخص دیگری بشود.^{۲۱} همچنین اگر خوردن گوشت یا شراب و یا انجام کارهای دیگر تو موجب لغزش یا رنجش برادرت شود بهتر است از آن دست بکشی.^{۲۲} پس عقیدهٔ خود را دربارهٔ این مطلب بین خود و خدا نگه دار. خوشا به حال کسی که وقتی کاری انجام می‌دهد وجدانش او را ملامت نمی‌کند.^{۲۳} اما اگر با وجدان ناراحت چیزی را بخورد محکوم است، زیرا مطابق آنچه وجدانش به او می‌گوید عمل نکرده است و هر عملی که از روی ایمان نباشد، گناه است.

در فکر دیگران بودن

ما که در ایمان قوی هستیم و وظیفه داریم که ناتوانی اشخاص ضعیف را تحمل کنیم و در

۱۱ و باز در جای دیگر نوشته شده است:

«ای تمامی ملت ها، خداوند را

سپاس خوانید! و ای تمامی مردم، او را ستایش کنید.»

۱۲ و اشعیا نیز می گوید:

«ریشهٔ پسی خواهد آمد و او برای

حکومت بر ملت ها می آید و امید

ملتها بر او خواهد بود.»

۱۳ خدا که سرچشمه امید است، شما را

به وسیلهٔ ایمان تان چنان با خوشی و سلامتی

کامل پُر سازد که با نیروی روح القدس

امید شما روز به روز فراوان تر شود.

وظیفهٔ پولس

۱۴ ای برادران، خود من در مورد شما

خاطر جمع هستم که پُر از نیکی و کمال

معرفت بوده و قادر به تعلیم یکدیگر

هستید. ۱۵ اما در این رساله پاره ای

از مطالب را با کمال جرأت به شما

یادآور شدم. من به خاطر آن فیضی که

خدا به من عنایت فرمود ۱۶ تا خدمتگذار

مسیح عیسی برای ملت ها باشم این طور

به شما نوشتم. در خدمت انجیل خدا، من

وظیفهٔ یک کاهن را دارم تا غیر یهودیان

را به عنوان هدیه ای به خدا تقدیم نمایم -

هدیه ای که به سبب تقدیس روح القدس

قبول او خواهد شد. ۱۷ پس می توانم از

کارهایی که برای خدا در مسیح عیسی

انجام داده ام افتخار نمایم. ۱۸ زیرا من

جرأت نمی کنم دربارهٔ چیزی جز آنچه

مسیح به توسط من به عمل آورده است

سخن بگویم. سخن من فقط دربارهٔ این

است که او چگونه مردم غیر یهود را به

وسیلهٔ گفتار، رفتار ۱۹ و نیروی نشانی ها و

معجزات و با قدرت روح القدس تحت

فرمان خود درآورده است. به طوری که

من سراسر اورشلیم را تا «ایلیریوم»

پیموده ام و انجیل مسیح را همه جا

منتشر کرده ام. ۲۰ هدف من همیشه این

بوده است که، در جاهایی که نام مسیح

به گوش مردم نرسیده است، بشارت دهم،

مبادا بر تهدابی که کسی دیگر نهاده آباد

کنم. ۲۱ چنانکه نوشته شده است:

«کسانی که درباره او چیزی

نشنیدند، او را خواهند دید و آنانی

که از او بی خبرند، خواهند فهمید.»

نقشهٔ پولس برای دیدن مسیحیان روم

۲۲ همین موضوع بارها مانع آمدن من به

نزد شما شد. ۲۳ اما حال چون دیگر کار

من در این ناحیه تمام شده و همچنین

سالها مشتاق ملاقات شما بوده ام،

۲۴ امیدوارم در وقت سفر خود به اسپانیا،

از شما دیدن نمایم و پس از آنکه از شما

دیدن کردم، در نظر دارم با کمک شما

به سفر خود ادامه دهم. ۲۵ در حال حاضر

به خاطر کمک به ایمانداران مقدس

مقیم اورشلیم عازم آنجا هستم، ۲۶ زیرا

برادران در مقدونیه و یونان چنین صلاح

دانستند که به خاطر بینوایان ایماندار

اورشلیم مبالغی بطور اعانه بفرستند.

۲۷ ایشان صلاح دانستند این کار را انجام

دهند و در حقیقت آن ها مدیون برادران

یهودی هستند، زیرا غیر یهودیان که در

برکات روحانی یهودیان شریک شدند،

وظیفه دارند یهودیان را با برکات مادی

برسانید، نه من تنها، بلکه تمام کلیساهای غیریهود نیز از ایشان ممنون هستند. به کلیسایی که در خانه آنها تشکیل می شود، سلام برسانید. من به دوست عزیز «اپنطس» که اولین شخصی بود که در ایالت آسیا به مسیح ایمان آورد، نیز سلام می رسانم.^۶ و همچنین به مریم که در میان شما زحمت زیاد کشیده است، سلام برسانید^۷ و به «اندرونیکاس» و «یونیاس» هموطنان من که با من در زندان بودند، سلام برسانید. آنها در میان رسولان اشخاص برجسته ای هستند و پیش از من مسیحی بودند.^۸ همچنین به دوست عزیزم در خداوند «امپلیاس»^۹ و به «اوربانوس» همکار من در خدمت مسیح و به «استاخیس» عزیز^{۱۰} و به «اپلیس» مقبول مسیح و به خانواده «ارستبولس» سلام برسانید.^{۱۱} به هموطن من «هیرودیون» و ایمانداران خانواده «ترکیسوس»^{۱۲} و به «طریفینا» و «طریفوسا» که در کار خداوند فعال هستند و به دوست عزیزم «پرسیس» که در خدمت خداوند زحمت بسیار کشیده است^{۱۳} و به «روفس» آن مسیحی برجسته و همچنین مادرش که نسبت به من نیز مانند یک مادر بوده است، سلام برسانید.^{۱۴} سلام مرا به «اسونکریئس»، «فلیگون»، «هرماس»، «پتروباس»، «هرمیس» و برادرانی که با آن ها هستند^{۱۵} و «فیلولوگاس»، «جولیه»، «نیرياس» و خواهرش و «اولیمپاس» و همه مقدسینی که با ایشانند، برسانید.^{۱۶} با بوسه مقدسانه به یکدیگر سلام بدهید. جمیع کلیساهای مسیح به شما سلام می رسانند.

خود خدمت کنند.^{۲۸} بنابراین هروقت این خدمت را انجام دادم و مبالغی را که جمع شده است به دست آن ها سپردم، عازم اسپانیا خواهم شد و در سر راه از شما نیز دیدن خواهم کرد.^{۲۹} و یقین دارم که هرگاه پیش شما بیایم، آمدن من با برکات فراوانی از جانب مسیح همراه خواهد بود.

^{۳۰} ای برادران، بنام خداوند ما عیسی مسیح و آن محبتی که روح القدس می بخشد در خواست می کنم، که با دعاهاى خود در پیشگاه خدا همکاران جدی من باشید،^{۳۱} یعنی دعا کنید، که من از دست بی ایمانان در یهودیه در امان باشم و خدمت من مورد قبول مقدسین اورشلیم واقع شود.^{۳۲} و به این وسیله به خواست خدا با خوشی به سوی شما بیایم و از حضور تان نیروی تازه ای بگیرم.^{۳۳} خدا که سرچشمه آرامی و سلامتی است، با همه شما باد، آمین.

سلام پولس برای کلیسای روم

۱۶
خواهر ما «فیبی» را که خادمه کلیسای «کنخریه» است به شما معرفی می کنم^۲ تا او را در خداوند، آن طور که شایسته مقدسین است، بپذیرید و در تمام مسائلی که احتیاج به کمک شما دارد به او کمک کنید؛ زیرا او از بسیاری، منجمله خود من، حمایت نموده است.

^۳ به «پریسکیلا» و «اکیلا» همکاران من در مسیح عیسی^۴ که جان خود را به خاطر من به خطر انداخته اند، سلام

پولس در نوشتن این رساله، به شما سلام مسیحی می فرستم.^{۲۳} «قایوس» میزبان من، که میزبان تمام کلیسا هم هست و نیز «ارسطوس» خزانه دار شهر و برادر ما «کوارطس» به شما سلام می رسانند.^{۲۴} (فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باد، آمین.)

دعای شکرگزاری

^{۲۵} اکنون به او که قادر است مطابق مژده ای که من اعلام می کنم، یعنی پیام مربوط به عیسی مسیح و مطابق افشای آن حقیقت پنهانی که قرن های دراز مخفی بود^{۲۶} و در حال حاضر آشکار شده و به وسیله نوشته های انبیاء بحکم خدای ابدی به تمام ملت های دنیا آشکار گردید، تا آن ها ایمان آورند و اطاعت نمایند، به او که قادر است شما را قوی و استوار سازد.

^{۲۷} به آن خدایی که دانای یکتاست، به وساطت عیسی مسیح پیوسته تا ابد جلال باد. آمین.

آخرین اوامر

^{۱۷} ای برادران، از شما درخواست می کنم از آنانی که بر خلاف آن تعلیمی که یافته اید، باعث تفرقه می شوند و دیگران را گمراه می کنند، احتیاط کنید و از آنها دوری کنید.^{۱۸} زیرا چنین اشخاص در حقیقت بندگان خداوند ما مسیح نیستند، بلکه امیال خود را بندگی می کنند و مردم ساده لوح را با تعارف و تملق فریب می دهند.^{۱۹} وفاداری شما نسبت به انجیل در نزد همه معروف است و من هم از این موضوع شادمانم، اما آرزو دارم که در نیکوکاری ورزیده و در بدی کردن بی تجربه باشید.^{۲۰} و خدائی که سرچشمه سلامتی است، به زودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد کوبید. فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.

^{۲۱} «تیموتاوس» همکار من به شما سلام می رساند و همچنین «لوسیوس» و «یاسون» و «سوسیپاطوس» هموطنان من^{۲۲} و نیز خودم «ترتیوس»، منشی

